

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایندولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۰۵ دسمبر ۲۰۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم



## ترجمه و تفسیر سوره النساء- ۱۲

جزء ۴، ۵، ۶

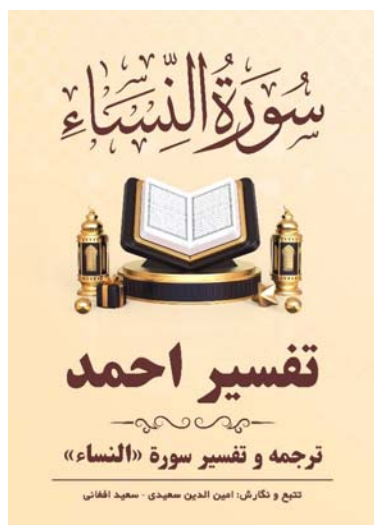
سورة النساء/ جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

خوانندگان گرامی!

در آیت (۲۴) موضوعات احکام ازدواج به بحث گرفته می شود.

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)



و [ازدواج با] زنان شوهردار [بر شما حرام شده است] به استثنای کنیزهای که مالک آنها شده اید، این فریضه الهی است که بر شما لازم شده است، و برای شما غیر این محرمات حلال است (به شرطی) که به مالهای خویش طلب نکاح کنید به قصد پاکي، نه به قصد شهوت رانی و زنا، پس آنچه از زنان نفع گرفته اید (به وسیله آمیزش جنسی) پس مهرهایشان را مطابق آنچه (از جانب الله) مقرر شده است بدهید و بر شما در آنچه با یکدیگر بعد از مهر مقرر توافق نموده اید، گناهی نیست، (چون) یقیناً خدا همواره دانا و حکیم است. (۲۴)

## تشریح لغات واصطلاحات:

«المحصنات» (حصن): جمع محصنه، زنان شوهر دار. ازدواج اینها برای شما حرام است؛ چون در حمایت شوهران خود هستند. (قابل ذکر است که (محصنات) در قرآن کریم به سه معنی به کار رفته است: زنان شوهر دار - نظیر همین آیت. زنان پاکدامن «نور/۴». زنان آزاد (آیت بعدی).

«مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»: ایمان، جمع یمین، دستان راست، آن دستان شما که مالک آن شده، بردگان شما که هیچ گاه، طبق قانون خدا نبوده، بلکه ساخته و پرداخته دست انسان بوده و نباید به دین خدا نسبت داده شود، زنانی که در جنگ با کافران اسیرشان می کردند؛ به سبب اسارت، عقد نکاح شوهرانشان لغو می گردید و پس از پاک شدن رحمشان برابر دستور شرع - همخوابگی با آنان مباح بود. و اگر زنی با شوهرش اسیر می شد، ازدواجش برای کسی جایز نبود و در تحت نکاح شوهرش باقی می ماند.

«كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»: فریضه الهی است که بر شما مقرر گشته. «أَنْ تَتَّبِعُوا»: تا زنان دیگر را بخواهید. «بِأَمْوَالِكُمْ»: با مهریه. «أموال»: مهوور. «محصنین»: جویندگان آبرومندی و پاکدامنی. «غیر مسافحین»: خودداری کنندگان از زنا و ناپاکی. «مسافح» (سفح): زناکار، ناپاک. «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ»: زنانی که از آنان کام بر گرفته اید. «أَجُورَهُنَّ مَهْرَهُنَّ»: مهریه ها. مهر در برابر کام بر گرفتن مباح است. (فرقان)

## تفسیر:

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»: «و زنان شوهر دار بر شما حرام شده است» پس زن شوهر دار برای غیر شوهر خویش حلال نیست، مگر این که از شوهر خویش جدا گردد و عده او سپری شود، «إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»: «به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید» یعنی: کنیزانی را که به ملک یمین از دارالحرب اسیر کرده اید - هر چند که در دارالحرب شوهر هم داشته باشند و شوهرانشان در دارالحرب باشند - بر شما حلالند، اما اگر مردی کنیز شوهرداری را خریداری کرد، کامجویی جنسی از آن کنیز برایش حلال نیست، مگر این که شوهرش از وی جدا گردد.

بعد از آن که حق تعالی محرّمات نسبی و سببی را معرفی کرد، می فرماید: «كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» «این فریضه الهی است که بر شما مقرر شده است» یعنی: این حکمی است لازمی که تغییر دادن آن بر کسی روا نیست، پس، از حدود مقرر وی بیرون نروید و به شریعت وی پایبند باشید، «وَأَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَتَّبِعُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ»: «و بر شما سوای این محرّمات» که در این آیات ذکر شد «حلال است، که طلب نکاح کنید به اموال خویش» یعنی: بر شما حلال است که با دادن مهریه از اموال حلال خویش، ازدواج با زنان یا کنیزانی را طلب کنید که خداوند آنها را بر شما حلال گردانیده است و مبادا با اموال خویش حرام را طلب کنید.

ذکر «بِأَمْوَالِكُمْ» «اموال» در این مقام، دلیل بر آن است که نکاح جز به مهر صحت پیدا نمی کند و هر چند در هنگام عقد از مهر نام برده نشود، مهر واجب می گردد. بلی! طلب نکاح کنید به اموال خویش «عفت طلب کنان» از آلوده شدن به زنا «نه شهوترانان» یعنی: نه زناکنندگان. احسان: عفت طلبی و نگهداشت نفس از فروافتادن در حرام است. مسافح: از سفح است، سفح عبارت است از: ریختن آب منی در غیر جایگاه صحیح آن، که همانا فرج حلال زن باشد. یعنی: طلب نکاح شما با اموالتان باید در حلال باشد، نه در زناکاری و حرام «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً»: «پس کسی از زنان که از او بهره گرفتید» یعنی: با جماع و آمیزش جنسی به وسیله نکاح شرعی، از او برخوردار شدید «فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» «پس مهرشان را» که بر آن با هم به توافق رسیده بودید

«به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید» یعنی: مهر برای زنان از جانب خدای متعال مقرر شده است. بعضی گفته‌اند: مراد آیت کریمه، زنانی هستند که از آنان با نکاح متعه بهره گرفته می‌شود. یادآور می‌شویم که نکاح متعه در صدر اسلام مشروع بود و سپس منسوخ شد. چنان‌که در حدیث شریف به روایت بخاری و مسلم از علی (رض) آمده است که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز خیبر از نکاح متعه و از خوردن گوشت خران اهلی، نهی کردند».

همچنان از امام جعفر صادق (رح) که از جمله ائمه اهل بیت است درباره متعه سوال شد ایشان گفتند که متعه خود زناست.

نکته دیگری که دلالت بر این امر دارد این است که خداوند متعال بعد از این که محرمات را ذکر نموده در پی آن زن‌هایی را یاد آور شد که نکاح آن‌ها مجاز است البته به شرط این که این نکاح دوامدار و مستمر باشد و مهریه زن نیز پرداخت گردد.

«وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» «و بر شما در آنچه که با یکدیگر بعد از مهر مقرر به توافق رسیدید گناهی نیست» یعنی: اگر شما زنان و شوهران بعد از مقرر کردن مهر، با رضایت یکدیگر مهر را زیاد یا کم کنید، باکی بر شما نیست، چه زن حاضر شود که از مقدار مهر خویش کم نماید، یا کل آن را به شوهر خویش ببخشد و چه شوهر تصمیم بگیرد که بر مقدار مهر زن بیفزاید و یا هرگونه تصمیمی که درباره ادامه، یا از هم‌گسستن زندگی زناشویی خویش بگیرید، «فَإِنْ طِئِنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا»: اگر به طیب نفس چیزی را بخشیدند، گوارا و به سلامت آن را بخورید.

مفسر این کثیر فرموده است: یعنی اگر مهری برایش تعیین کردی، و شما را از آن تبرئه نمود یا از مقداری از آن صرف‌نظر کرد، نه بر تو گناهی مقرر است و نه بر او.

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)»: احکامی که در آیت به آن اشاره شد، احکامی است که متضمن خیر و سعادت افراد بشر است زیرا خدای تعالی به مصالح بندگان خویش آگاه است و در آنچه به عنوان شریعت مقرر داشته حکمت دارد.

### چند یادداشت کوتاه:

زنانی که در میدان جنگ اسیر می‌شوند، اگر شوهرانشان همراه آنان اسیر نگردند و در سرزمین خود (دارالحرب) بمانند؛ عقدشان فسخ می‌شود و پس از سپری کردن دوره قاعدگی، آن کس که او را در جنگ اسیر کرده، می‌تواند او را به عقد خود در آورد.

مفسران می‌گویند: هدف از «احسان» در آیت، نگهداری کردن زن و شوهر از یکدیگر در طول زندگی است که مبادا به زشتکاری نزدیک شوند و پای از حریم خانواده خود فراتر نهند. [مؤمنون ۵۶]. هدف تنها کام برگرفتن و شهوترانی (سفح) نیست که مدت کوتاهی لذت ببرند. لذت جنسی، اساس زندگی دنیای انسانها به شمار نخواهد آمد، بلکه وسیله‌ای است که فطرت، آن را در مرد و زن سرشته تا به دور هم جمع شوند و پیوند استوار و صمیمی را برقرار کنند و هر یک از زن و مرد وظیفه خود را بخوبی پیگیرند. اگر چنین نباشد عقد نکاح و پیوند زناشویی باطل است و از هم گسسته می‌شود. احسان؛ یعنی، حفظ و صیانت از پلیدیها و شهوترانیها و دوری از زنا به خاطر استمرار و بقای نسل، رعایت مهریه و سایر حقوق زن، توارث فی مابین و برپایی کانون گرم زندگی تا دم مرگ و این که وجود ولی نکاح و دو نفر شاهد دادگر در مجلس عقد، از شروط قطعی نکاح شرعی است.

## یادداشت:

متعه، نه نکاح است؛ چون دستورات ازدواج قرآنی بر آن صدق نمی کند و نه ملک یمین؛ چون آن زنان به تراج رفته، اسیر جنگی نیستند؛ بلکه اسیر شهوات... هستند (!) و با دقت در مرجع ضمیر، اشتباه بودن این برداشت نادرست، روشن است. و با توجه به حرمت خانواده و اهمیت دین به آن، و این که خانواده سالم سنگ بنای جامعه اسلامی است، تلاش بعضی ها از سر «ابوالهوسی»، برای ترویج فرهنگ جاهلی - آنهم با نام دین، و با فهم نادرست و برداشت غلط از این آیت - در حقیقت، در جهت تضعیف استحکام و سلامت خانواده است. و به نام دین و برای تأمین خواسته های نفس زیاده طلب هزاران سؤال بی جواب را برای دیگران، باقی می گذارند.

## استدلال به ازدواج موقت خطاء است !

(شیعه) امامیه به این متبرکه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً»: (دلیلی بر مشروعیت ازدواج موقت به عمل می آورند.

زیرا در آیت متبرکه آمده است «فَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» و نفرموده است: «مهورهن: یعنی مهریه آنها». بدین اساس استدلال می نمایند که چون لفظ مهر نیامده و اجور آمده از این بابت در حکم ازدواج موقت می باشد. خدمت این عده از مفسرین که استدلال به نکاح متعه می کند باید گفت: ازدواج از امور بزرگ و حساس در زندگی، دین و دانش انسان مسلمان است؛ زیرا آن از بارزترین ویژگی های انسان مسلمان محسوب می شود: آبرو و نسل او. همانا این امر (ازدواج) به عورت و ناموس زنان مؤمن (باکره) تعلق دارد، نه به بازیچه و کالائی که در بازار تجارت عرضه شده باشد. (از محمد صدر درباره ازدواج موقت سؤال شد؟ پس پاسخ داد: مسأله (۱۷۳) این از ضروریات مذهب است و کسی که آن را انکار کند، از مذهب تشیع به مذهب تسنن یا به ملت (مذهب) دیگری خارج شده است و به چیزی غیر از آنچه که خدا در کتاب ارجمندش آورده است، گرائیده است. (مسائل و ردود / جزوه چهارم ص ۴۱). پس در حکم بین ازدواج موقت و شیعه امامیه تساوی برقرار است.)

خداوند متعال ما را از دنباله متشابه در چنین مواردی نهی کرده است. پس فرمود:

« فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ»: یعنی همانا ما نیاز داریم به این که کلمه (استمتعتم) را فقط بر ازدواج موقت اطلاق نمائیم و همچنین نیاز داریم به این که اطلاق لفظ «اجور» به جای مهریه صحیح نباشد؛ پس با توجه به این که اثری از این دو امر وجود ندارد، استدلال به این آیت بیهوده می باشد.

اما فرموده پروردگارتان « فَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ » به معنای مهریه آنان است، چنانچه خداوند متعال در خطاب به پیامبرش صلی الله علیه وسلم می فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَ اللَّائِيَّاتِ الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ » (احزاب / ۵۰) (منظور همان مهریه است) و ممکن نیست که غیر از این گفته شده باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم به این ازدواج (یعنی به ازدواج موقت) اقدام نکرده است.

و قرآن کلمه «اجور» را به کار برده است و هرگز کلمه مهور (مهریه) را به کار نبرده است؛ چنانچه خداوند سبحان فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمَ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآنُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَكَحُّوهُنَّ إِذَا أَتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ » (ممتحنه / ۱۰)

« ای مؤمنان! هنگامی که زنان مؤمن به سوی شما مهاجرت کردند، ایشان را بیازمائید - خداوند از ایمان آنان آگاهتر است (تا شما) - هرگاه ایشان را مؤمن یافتید، آنان را به سوی کافران برنگردانید. این زنان برای آن مردان، و آن مردان برای این زنان حلال نیستند. آنچه را که همسران ایشان (به عنوان مهریه) خرج کرده‌اند، بدانان مسترد دارید. گناهی بر شما نخواهد بود اگر چنین زنانی را به ازدواج خود درآوردید و مهریه ایشان را بپردازید.»

و گفته است: « وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ » (مانده آیت: ۵)

«و (ازدواج با) زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن اهل کتاب پیش از شما، حلال است، هرگاه که مهریه آنان را بپردازید و قصد ازدواج داشته باشید و منظورتان زناکاری یا انتخاب دوست نباشد.»

و گفته است: «فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ » (نساء آیه: ۲۵)

«لذا با اجازه صاحبان آنان با ایشان ازدواج کرده و مهریه ایشان را زیبا و پسندیده و برابر عرف و عادت (به تمام و کمال) بپردازید. کنیزانی را برگزینید که با عفت و پاکدامن باشند و برای خود دوستانی (نامشروع) برگزینند.»

چه چیزی کلمه (اجور) در آیت مذکور را به ازدواج (صیغه) تخصیص داده و به عنوان دلیلی بر آن قرار داده است، با وجود این که لفظ از مختصات آن نیست، و این به سبب ذکر آن در آیاتی است که آن‌ها را بیان کردیم، که به ازدواج صیغه مربوط نمی‌شود، بلکه یا به ازدواج دائمی و یا به ازدواج با کنیزان (مربوط می‌شود)!

اجور در اینجا یعنی مهریه چون در عقد ازدواج در مقابل استمتاع از زن اجری قرار داده می‌شود تا زن از آن بهره ببرد الله متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ زَوْجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ» (احزاب آیت: ۵۰) «ای پیامبر ما همسرانی را که مهریه‌شان را پرداخت کرده‌ای برایت حلال کردیم.»

شیخ الطائفة طوسی کسانی را که می‌گویند منظور از اجور ازدواج متعه است سفیه می‌داند و می‌گوید: «بعضی از اصحاب ما گفته‌اند مراد از آیت ازدواج متعه است چون به مهریه اجر نمی‌گویند بلکه صدقه و نحلّه گفته می‌شود. اما این قول ضعیف است چون خداوند مهریه را اجر نامیده است و می‌فرماید: «فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (النساء: ۲۵). «آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایند، و مهرشان را به خودشان بدهید.»

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (المائدة: ۵).

«و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید.» «مسیره التبیان» (۱۶۶/۳)

شریف مرتضی یکی از بزرگان شیعه و مشهورترین آنها در کتابش «الانتصار» می‌گوید: برخی از اصحاب ما استدلال کرده‌اند که لفظ «استمتع» دال بر ازدواج موقت است نه ازدواج دائم، چون خداوند مالی را که به زن داده می‌شود اجر نامیده است در صورتی که خداوند مهریه ازدواج دائم را به این اسم بیان نکرده است بلکه به اسم نحلّه، صداق و فریضه آن را نام برده است. اما این استدلال مورد اعتماد نیست چون مهریه ازدواج دائم را نیز اجر نامیده است.

«وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (ممتحنه آیه: ۱۰) «و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مهرشان را به آنان بدهید.» «الانتصار» شریف مرتضی (صفحه ۱۱۳).

بنابراین استدلال به این آیت برای ازدواج موقت درست نیست چون استدلال به متشابه است. و سیاق آیت از چند وجه آن را رد می‌کند این آیات تنها دو نوع نکاح را نام برده‌اند نکاح دائم و ملک یمین که از نکاح دائم به لفظ

استمتاع تعبیر شده است ولی اگر منظور از استمتاع نکاح متعه باشد این بدان معنی است که در این آیات ازدواج دائم ذکر نشده است. و این غیر معقول است پس باید لفظ را بر ازدواج دائم حمل کنیم نه چیز دیگر.

در آیت ابتداء نکاح مشکل وبعد نکاح آسان را بیان کرده است: «وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (النساء: ۲۵). «و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند».

و مشکلتتر از نکاح جاریه تنها ازدواج دائم است ولی نکاح متعه آسانترین انواع نکاح است پس مقصود آیه نکاح متعه نیست.

خداوند شروط نکاح را در این آیت بیان کرده است: «أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ» (النساء: ۲۴). «برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید».

غیر مسافحین یعنی زناکار نباشید. ولی مقصود از نکاح متعه تنها ریختن منی و ارضاء شهوت است و در آن احسان و پاکدامنی و حفظ جسم و نفس زن یا مرد نیست و برآستی این نص صریحی در رد ازدواج موقت است زیرا به اتفاق علماء در ازدواج موقت پاکدامنی و احسان وجود ندارد.

استدلال به قرآن برای مشروعیت ازدواج موقت جائز نیست زیرا تنها جایی از قرآن که در این زمینه به آن استناد می‌شود لفظ متشابه بوده و دلالت آن قطعی نیست. و لذا دلالت آیت ۲۴ سوره نساء نیز بر ازدواج موقت نبوده تا بگوئیم بر طبق روایات واهی حکم آن نسخ شده باشد!

حلال کردن فروج در اسلام جداً مسأله مهمی است، تساهل در آن هرگز جائز نبوده و دلایل متشابه را بر نمی‌تابد. در قرآن حتی یک نص صریح دال بر مشروعیت نکاح موقت وجود ندارد، پس ادعای مشروعیت آن باطل است زیرا پیروی از متشابهات است.

### شان نزول آیت ۲۴:

۲۷۴- مسلم، ابوداود، ترمذی و نسائی از ابوسعید خدری ( روایت کرده اند: در جنگ اوطاس عده‌ای از زنان شوهردار به اسارت ما درآمدند و چون شوهر داشتند از همبستر شدن با آنها خودداری کردیم، و در این باره از پیامبر پرسیدیم. آنگاه خدای بزرگ «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَجَلٌ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَلِكَ...» را نازل کرد. کلام ربانی گویای این نکته است: ازدواج و آمیزش جنسی با زنان شوهردار حرام است، مگر زنانی که خدا غنیمت مسلمانان ساخته است. پس به این ترتیب آمیزش جنسی با آنها را حلال شمردیم. (صحیح است، مسلم ۱۴۵۶، ابوداود ۲۱۵۵، ترمذی ۱۱۳۲، نسائی ۱۱۰ / ۶).

۲۷۵- طبرانی از ابن عباس (رض) روایت کرده است: هنگامی که خدای متعال سپاه اسلام را در حنین فاتح و پیروز گرداند، مسلمانان عده‌ای از زنان شوهردار اهل کتاب را به اسارت گرفتند. هرگاه مسلمانی اراده آمیزش جنسی با یکی از آنها را می‌کرد زن مورد نظر می‌گفت: من شوهر دارم. پس در باره از رسول الله پرسیدند و در آن روز خدا ( آیت وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ... را نازل کرد.) نسائی در «تفسیر» ۱۱۸ و طبرانی ۱۲۶۳۷ روایت کرده اند، اسناد آن حسن است، اما به اسارت‌افتادن زن‌های اهل کتاب در آن زمان غریب است و مشهور است که اهالی ثقیف مشرک و بت‌پرست بودند)

۲۷۶- ابن جریر از معتمر بن سلیمان از پدرش روایت کرده است: حضرمی می‌گفت: مردانی بودند که هنگام عقد برای همسران خود مهر تعیین می‌کردند، اما با گذشت روزگار به تنگدستی گرفتار می‌شدند. [و دیگر توان پرداخت مهر معین را نداشتند] به این سبب «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» نازل شد. (طبری ۹۰۴۶ به قسم مرسل از معتمر روایت کرده است).

ادامه دارد